

اپوزیسیون و انتخابات دهمین دور ریاست جمهوری اسلامی

آزموده را دوباره آزمودن خطا است!

انتخابات دهمین دور ریاست جمهوری اسلامی در راه است و این بار نیز شورای نگهبان، چهار نفر از «خودی»ها را مناسب کاندیداتوری ریاست جمهوری حکومت اسلامی تشخیص داده و اکنون نوبت مردم است تا با حضور در پای صندوقهای رای به یکی از این چهار نفر رای دهند. به این ترتیب «انتخابات» برگزار خواهد شد و کاندیدای منتخب شورای نگهبان، بر صندلی رئیس جمهور جلوس خواهد کرد.

انتخاب یعنی برگزیدن و در زمینه سیاسی انتخابات به معنی برگزیدن افرادی است برای اجرای یک برنامه سیاسی در کادر یک حکومت. در تعریف عام، انتخابات با آزادی در انتخاب شدن و انتخاب کردن معنی میدهد و یکی از ابزار اصلی اعمال حاکمیت مردم است. مردم از طریق انتخاب نمایندگان سیاسی، حکومت مورد نظر خود را تعیین کرده و در تعیین سرنوشت خود مداخله میکنند. این واقعیتی است غیر قابل انکار که در حال حاضر آزادی و دموکراسی در جوامع نسبی است و طبعا انتخابات آزاد نیز با توجه به این نسبییت تعریف میشود. ولی باید توجه داشت که به قیمت هر «نسبیتی»، نمیتوان مهر تائید بر هر انتخاباتی زد. انتخابات آزاد حداقلهایی را میطلبد که در نبود آنها، آن انتخابات را نمیتوان «انتخابات» نامید. «انتخابات غیردمکراتیک»، انتخابات به معنی واقعی کلمه نیست، بلکه نمایشی است از انتخابات. دهمین دور انتخابات ریاست جمهوری اسلامی هم به همین اعتبار و همچون گذشته، نه یک انتخابات، که یک نمایشی از انتخابات است.

چنین انتظار می رفت که در فضای کاملاً غیردمکراتیک این انتخابات، اپوزیسیون سیاست «تحریم» را پیش گیرد. اما متأسفانه نه تنها چنین نشده است، بلکه در صفوف اپوزیسیون چنان بلبشوئی برپا شده که تا کنون نظیر نداشته است. حتی به نظر میرسد که برخی از سازمانها و احزاب و یا چهره‌های سیاسی با یکدیگر مسابقه «اعلام شرکت وسیع در انتخابات» گذاشته‌اند. علیرغم آن که این انتخابات چنان رسوا است که با یک من سریش هم نمیتوان ظاهر نیمه دمکراتیک به آن داد و مدعی رعایت قواعد دموکراسی در آن شد، و خود این جماعت هم در اعلامیه‌های بلندبالایشان به آن اعتراف دارند، ولی همگی اعلام

کرده‌اند که در این انتخابات شرکت کرده و مردم را هم دعوت میکنند تا وسیعا در آن شرکت کنند.

در توجیه این سیاست عجیب و غریب، به دوران چهار ساله حکومت احمدی نژاد و فشار و خرابی‌هایی که از این رهگذر نصیب جامعه و اقتصاد و مردم شده، اشاره کرده و با اعلام این که هرکس بیاید بهتر از احمدی نژاد است، بهبودی ولو جزئی در زندگانی مردم را، هدف این اقدام خود اعلام کرده‌اند. این دوستان در اعلامیه‌هایشان از مردم می‌خواهند تا به اصلاح طلبان رای دهند، بدون آن که از کاندیدای مشخصی پشتیبانی کنند. ظاهرا با این ترفند، بدون آن که حمایت مستقیمی از یکی از دو کاندیدای به ظاهر اصلاح طلب کرده باشند، در مقابل احمدی نژاد، از آلترناتیو اصلاح طلبی دفاع کرده‌اند. و صد البته که در این بین تنها چیزی که مدنظر قرار نمی‌گیرد و اهمیت چندانی هم ندارد، کارنامه این دو کاندیدای «اصلاح طلب» در طول سی سال خدمت بی‌شائبه‌شان به حکومت اسلامی و کارنامه حکومت هشت ساله اصلاح طلبان در دوران خاتمی است!

این موضوع من را به یاد لطیفه‌ای می‌اندازد: «حسنى و رفیقش می‌روند به دیدن یک فیلم وسترن. در یکی از صحنه‌های فیلم، آرتیست بدجنس با اسب در حال فرار از دست خوش جنس‌ها است و در جریان تاخت و تاز به دره کوچکی می‌رسد که باید با اسب از روی آن بپرد. در این هنگام حسنى رو به رفیقش می‌کند و می‌گوید: سر پنج تومن شرط که می‌افتد در دره. رفیقش قبول می‌کند. آرتیست بدجنس دور خیزی می‌کند و با اسب به تاخت از روی دره می‌پرد. حسنى پنج تومن می‌بازد. رفیقش به وی می‌گوید: مرد حسابی تو ده بار این فیلم را دیدی، برای چی شرط بستى؟ حسنى جواب می‌دهد: گفتم شاید این دفعه بیافتد تو دره!!»

حکایت بخشی از اپوزیسیون ما حکایت این حسنى است. همه آنها نزدیک به سی سال است که اپوزیسیون این رژیم هستند. سی سال است که همه سیاست‌های این رژیم را تجربه کرده‌اند، همه چهره‌های سیاسی آن را دیده‌اند، و بخوبی از پروسه اسلامی کردن حکومت، ساختار دستگاه حکومتی در جمهوری اسلامی، ایجاد نهادهای شرعی در کنار نهادهای عرفی و تسلط نهادهای شرعی بر نهادهای عرفی مطلعند. در این سال‌ها شاهد زنده سیاست‌های این حکومت بوده‌اند، از تبدیل مجلس موسسان به مجلس خبرگان تا ممنوعیت احزاب غیرحکومتی، از تهاجم به کردستان گرفته تا ادامه جنگ هشت ساله با عراق، از «یا روسی یا توسری» گرفته تا انقلاب فرهنگی و بستن دانشگاه‌ها، از «شکستن قلم تمام مطبوعات مزدور» تا تعطیل روزنامه‌ها و جلوگیری از نشر آزاد، از دستگیری‌ها و کشتارهای سال‌های اول انقلاب تا کشتارهای خونین زندانیان سیاسی در سال 1367، از اعزام جوخه‌های مرگ به خارج از

کشور و ترور مخالفان تا آدم ربائی، از کشتار نویسندگان و هنرمندان تا قتل‌های زنجیره‌ای، از تهاجم به کوی دانشگاه در 18 تیر 1378 تا دستگیری و سرکوب فعالین دانشجویی، اجتماعی و سندیکائی، ... از ماجراجوییهای اتمی رژیم تا موشک‌پرانی و فرستادن ماهواره به مدار زمین، از بریز و بپاش دستگاه‌های اداری تا تاراج ثروت‌های ملی و تقسیم آن بین آقازاده‌ها، از بی‌کفایتی دولت‌های مختلف تا رشد مداوم گرانی و بیکاری، از کارنامه فضاحت‌بار دولت سازندگی و رفسنجانی تا کارنامه ناچیز دولت اصلاح طلب خاتمی تدارکاتچی، و این همه تنها گوشه کوچکی است از آنچه که در این سی سال توسط این حکومت و همین سردمداران و همین کاندیداهای ریاست جمهوری بر میهنمان رفته است. و علیرغم همه اینها، بازهم «حسنی» هایی هستند که حاضرند در نمایش انتخابات به این امید شرط‌بندی کنند که :

- «آقایان مهدی کروبی و میر حسین موسوی، در واکنش به این خواست‌ها، در دفاع از حقوق شهروندی، تامین امنیت برای جامعه مدنی، برای رفع تبعیض از زنان، در دفاع از حقوق اقوام و اقلیت‌های مذهبی و دینی بی‌انیه داده اند...» به باور ما در انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم، به سود همه آزادیخواهان و علاقمندان به سرنوشت کشور است که «نه به احمدی نژاد»، با گزینش یکی از نامزدهائی که برای مطالبات مردم و حقوق شهروندی آن‌ها اهمیت قائل اند، همراه شود. آن‌ها اگر هم قادر به انجام هم‌[] وعده‌های خود نباشند، پیروزی بر احمدی نژاد مانع تنگ تر شدن فضای تنفس اقشار مختلف مردم و جنبش‌های مدنی خواهد شد.» (اتحاد جمهوریخواهان ایران: گام اول: شکست احمدی نژاد؛ هرچه گسترده تر در انتخابات شرکت کنیم! - سایت عصر نو)

- «حزب دموکراتیک مردم ایران، بادر نظرگرفتن این امر، که خواست‌ها و برنامه‌های آقایان مهدی کروبی و میرحسین موسوی، دربرگیرندهی بخش قابل توجهی از مطالبات آزادیخواهان ایران است که می‌توان درچارچوب انتخابات ریاست جمهوری مطرح نمود؛ و این واقعیت که آن‌ها درحال حاضر تنها بدیل موجود دربرابر حکومت احمدی نژاد و راست‌بنیادگرائی باشند؛ و نیز این مهم که پیروزی آنها، می‌تواند بسترساز هر تغییر و تحول درآینده باشد؛ حمایت از هر دو نامزد را، همچون دو پای پیکرواحد اصلاح طلبی، وظیفه‌[]ی خود میدانند.» (بیانیه‌ی انتخاباتی حزب دموکراتیک مردم ایران-سایت اخبار روز)

- «ما با نگرانی نسبت به حیات اقتصادی مردم و بویژه فرودستان، همچنین روند اضمحلال دولت در سالهای اخیر و تبدیل قوه‌ی مجریه به ابزار اقتدار و حمایت از منافع طبقاتی اقلیتی نوکیسه، ضرورت

صیانت از کیان ملی و حفظ حقوق اقلیت‌های قومی- مذهبی در انتخابات شرکت می‌کنیم و ضمن درک رویکردهای دمکراتیک و وجوه مترقی در برنامه‌ی آقای مهدی کروی در زمینه‌ی دمکراسی و حقوق بشر، با توجه به انسجام برنامه‌های اقتصادی آقای میرحسین موسوی در حمایت از تولید ملی و توسعه‌ی درونزا، رویکرد «اخلاق- عدالت- آزادی»، حمایت از مبانی حقوق بشر و همچنین فراگیری جبهه‌ی حامیان آقای میرحسین موسوی، در انتخابات ریاست جمهوری دهم، به ایشان رأی می‌دهیم.» (جنبش مسلمانان مبارز- از میرحسین موسوی حمایت می‌کنیم-سایت عصر نو)

-«نهضت آزادی ایران، با بررسی مجموعه اطلاعات دریافتی در ارتباط با نامزدهای اصلاح‌طلب، از جمله بررسی دیدگاه‌ها، مطالعه برنامه‌ها و راه‌کارهای عرضه شده برای رفع مشکلات موجود و در پی مذاکرات و گفتگوهای متعدد، با افراد موثر اصلاح طلب اعلام می‌کند که آقایان مهدی‌کروی و میرحسین موسوی، هر دو واجد ویژگی‌ها و ظرفیت‌هایی هستند که به رغم موانع موجود و در چارچوب ساختار کنونی می‌توانند کف مطالبات سیاسی اصلاح‌طلبانه را پاسخ دهند و، مهمتر از آن، می‌توانند مانع ادامه یافتن وضع موجود شوند.» (نهضت آزادی ایران، انتخابات، فرصتی برای تغییر در مدیریت کلان کشور- سایت عصر نو)

-« بهره‌برداری از امکانات محدود کنونی برای سازمان دهی نیروهای اجتماعی حول شعارهای مردمی و تلاش برای تحمیل این خواست‌ها بر برنامه‌های اصلاح طلبان حکومتی گامی در احیای روحیه مبارزه‌طلبی و فایق شدن بر عقب‌گردهای ناشی از نتایج انتخابات گذشته و روی کار آمدن دولت احمدی نژاد است. باید تمام تلاش‌ها را برای شکست دادن نامزد اصلی ارتجاع، یعنی محمود احمدی نژاد به کار گرفت.» (انتخابات صحنه مهم مبارزه سیاسی برای افشای رژیم ضد مردمی و بسیج نیروهای اجتماعی-سایت حزب توده ایران)

واقعا در مقابل این فراموشی خودخواسته و شرط بندی «حسنی»های سیاسی چه می‌توان گفت؟ چنان از اصلاح طلبان حکومتی صحبت می‌شود که گویی بار اول است که اینان در مسابقه کسب قدرت شرکت کرده و می‌خواهند زمام امور را بدست گیرند. چنان از برنامه انتخاباتی و وعده و وعیدهای کروی صحبت می‌کنند که گویا «ولی فقیه»ی وجود ندارد و یا دیگر نمی‌تواند «حکم حکومتی» صادر کند. موسوی خودش رسماً اعلام کرده که اصلاح‌طلب نیست، بلکه در بهترین حالت یک «اصولگرای اصلاح‌طلب» است، اما دوستان ما در چهره این مرد، یک اصلاح طلب پر قدرت می‌بینند! در مقابل این «آلزامر» سیاسی سابقه‌دار این

دوستان چیزی نمی‌توان گفت، اما حداقل می‌توان به محسن یلفانی، کارگردان تئاتر و نمایش‌نویس، درود فرستاد که با صراحت تمام اعلام کرده است که می‌خواهد آزموده را دوباره بیازماید، چرا که راه حل دیگری به نظرش نمی‌رسد. از نظر وی همه راه‌ها به اصلاح طلبی ختم می‌شود و این «راه یا حداقل تنها چشم انداز در برابر بن بست است که حکومت اسلامی مملکت ما را بدان کشانده. بن بست است که ارکان و اقطاب انتصابی حکومت با مصادره نهادهای «انتخابی» و رها کردن افسار بلندپروازی‌های جنون‌آمیز و غارت‌گری‌های بی حساب و کتابشان آن را تنگ‌تر و طاقت فرساتر می‌کنند.» (آزموده را همچنان باید آزمود، محسن یلفانی-سایت اخبار روز).

اپوزیسیون رژیم اسلامی، از راست تا چپ، حداقل در حرف و روی کاغذ، خواهان استقرار یک حکومت دمکراتیک در ایران هستند. همه هم می‌پذیرند که چنین تحولی باید توسط مردم صورت گیرد، (البته بخش محدودی از اپوزیسیون بدش نمی‌آید که بر روی تانک‌های امریکایی وارد تهران شود). حال به صورت انقلابی و با از طریق «انقلاب»‌های زرد و بنفش و نارنجی! اما در طول سی سال گذشته اپوزیسیون رژیم اسلامی موفق به تشکیل یک آلترناتیو جدی نشده است. انواع و اقسام جبهه‌های دمکراتیک، خلقی، مردمی، مقاومتی و غیره تشکیل شده‌اند، که نهایتاً یا به زائده یک سازمان سیاسی فروکاسته‌اند و یا از بین رفته‌اند. یکی از نتایج سی سال تلاش پراکنده اپوزیسیون را می‌توان در ناامیدی بخشی از فعالین سیاسی و روشنفکران دید. روشنفکر چپی چون محسن یلفانی، خسته از سال‌ها در بدری سیاسی به این نتیجه می‌رسد که تنها راه‌چاره، همزیستی با «اسلام و مسلمانان در عرصه سیاست» است، و این که «آینده قابل تصور برای جامعه ایرانی، که می‌توان به گونه‌ای کم و بیش بدان دل خوش کرد و به خاطرش زحمت کشید، نه بیرون فرستادن اسلام و مسلمانان از صحنه سیاست، که رسیدن به توافق و همزیستی و مدارا میان امر مذهبی و امر غیرمذهبی است.» روشنفکر لائیک ما آن چنان ناامید گشته که حاضر است تا به یک حکومت مذهبی «معقول» تن دهد و این چنین است که به دامن اصلاح طلبان چنگ انداخته و حاضر است تا بار دیگر شرط بندی کند!

آزمودن آن چه که در طول سی سال گذشته آزموده شده، راه چاره نیست، بلکه یا خودفریبی است و برای آرامش وجدان‌های ناآرام کم حوصله خوب است، یا به درد سیاستمداران دماسنج «رییل پلیتیک» می‌خورد. جمهوری اسلامی اصلاح‌پذیر نیست. دین بر سریر حکومت، چه به لحاظ تاریخی در جهان و چه به تجربه سی سال گذشته در ایران، نشان داده که توان دمکراتیزه شدن ندارد. «حکومت دینی معقول»، یک اتوپی و یک

آرزوی دست نیافتنی بیش نیست و در نهایت هم مشکل جامعه ما را در قرن بیست و یکم حل نخواهد کرد. در مقابل حکومت جمهوری اسلامی باید مقاومت را سازمان دادن و نه شرکت در بازی جناح‌های رژیم، به این امید که شاید این بار، به قول دوستی، اصلاح طلبان تو زرد از آب در نیاید* تا زمانی که اپوزیسیون پراکنده ایران، نتواند با تکیه بر جنبش‌های اجتماعی، در کادر یک سیاست مستقل از جناح‌های رژیم، به ائتلافی برای تشکیل یک آلترناتیو جدی در مقابل حکومت اسلامی دست یابد، رژیم را خطری از جانب این اپوزیسیون تهدید نخواهد کرد.

۱۵ خرداد ۱۳۸۸ - ۵ ژوئن ۲۰۰۹

*: چند سال قبل، دور دوم ریاست جمهوری خاتمی بود، با دوستی پیرامون اصلاح طلبان و مسئله اصلاحات در جمهوری اسلامی بحث داشتم، وی ضمن دفاع از لزوم پیگیری سیاست اصلاحات در ایران، در پاسخ اشاره من به شکست سیاست‌های اصلاح طلبان در عرصه‌های گوناگون، گفت که: اصلاح طلبان ما، تو زرد از آب درآمدند، وگرنه سیاست اصلاحات درست بود!